

# جستارهایی پیرامون مسائل

## دریای خزر

دکتر سولای  
شیوا علی

مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی  
تهران - ۱۳۹۵

## فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: کولانی، الهه (طبرستانی)، ۱۳۳۵-

عنوان و نام بدیادآور: جستارهایی پیرامون مسائل دریای خزر / الهه کولانی، شیوا علی‌زاده (به سفارش) مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۷۶۵-۳

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۳۹

موضوع: دریای خزر، منطقه

موضوع: حقان خریزها - دریای خزر، منطقه

شناسه افزوده: علی‌زاده، شیوا، ۱۳۶۷-

شناسه افزوده: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.

رده‌بندی کنگره: ۳۹۵ س ج ۶۹ ک ۶۹ DSR۲۱

رده‌بندی دیویی: ۹۱۰/۲۴

شماره کتابشناسی: ۴۲۰۴۲۱۲

## جستارهایی پیرامون مسائل دریای خزر

الهه کولانی، شیوا علی‌زاده

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

هماهنگی امور نشر: بیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: مریم حجازی

صفحه آرایی: سحر حبیبی صنعتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

## اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، شماره: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ ناسران، طبقه همکف پلاک ۲۱

تلفن فاکس: ۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷، تلفن: ۶۶۴۹۰۳۱۵

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

## دیباچه

پس از ابودی اتحاد شوروی جمهوری‌های بازمانده از آن با شرایط دشوار سیاسی-اقتصادی-اجتماعی روبرو شدند. شرایطی که زمینه‌ساز توسعه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی شد. توسعه این رقابت‌ها منطقه دریای خزر را به یکی از عرصه‌های بازی بزرگ تبدیل کرده است. ولی این بازی این بار نه با دو بازیگر (بریتانیا و روسیه تزاری)، بلکه با بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (امریکا، روسیه، ترکیه، ایران، اسرائیل و ...) شکل گرفته است. با استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی که از میان آنها ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان در کنار دریا قرار گرفته‌اند، ایران و روسیه (پیش از آن اتحاد شوروی) در کنار جمهوری‌های یاد شده، به عنوان کشورهای ساحلی دریای خزر در شرایط جدیدی برای نظم بخشیدن به روابط و ولایه مشترک خود قرار گرفتند. این جمهوری‌ها در شرایط جدید همبستگی‌های عمیق و بلند مدت با اختاری را آشکار ساختند. هر چند گرایش‌های استقلال‌طلبانه، توجه کافی به پیوندها، بر جای مانده را تحت تأثیر قرار داده، کم‌رنگ ساخت. با از میان رفتن نظام سیاسی-اقتصادی متمرکزی که این جمهوری‌ها را از طریق مسکو اداره و کنترل می‌کرد، فضای استقلال‌طلبانه، تلاش برای یافتن شرکای سیاسی-تجاری جدید توسعه یافت.

کشورهای ساحلی دریای خزر همان گونه که اشاره شد، در شرایط یاد شده قرار گرفته بودند. آنها در دوران پس از فروپاشی و کسب استقلال سیاسی خود که در واقع ناشی از تصمیم رهبران روسیه، روسیه سفید، و اوکراین در دسامبر ۱۹۹۱ برای تشکیل اتحادیه کشورهای مستقل هم‌سود (CIS) بود، تلاش برای رفع دشواری‌های سیاسی-اقتصادی شدید خود را آغاز کردند.

برای ارزیابی تصویری روشن از تحولات پس از فروپاشی نگاهی تحولات چهار همسایه جمهوری اسلامی ایران در سواحل دریای خزر ضروری بنظر می‌رسد:

اجرای سیاست شوک درمانی در فدراسیون روسیه برای انتقال به اقتصاد بازاری این کشور را در شرایط اقتصادی دشواری قرار داد. روسیه توانایی‌های عظیمی را برای توسعه اقتصادی دارد، ولی اجرای سیاست‌های پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سبب تخریب روزافزون توانایی‌های آن شد. روسیه به عنوان وارث اتحاد شوروی جایگاه بین‌المللی آن را به دست آورد، ولی برای ایفای نقش آن در سطح منطقه قفقاز و آسیای مرکزی با واکنش‌های جدی روبه‌رو شد. هر چند در نخستین سال‌های پس از فروپاشی، روابط روسیه و این جمهوری‌ها در سازمان کشورهای مستقل هم‌سود ارزیابی شده بود، بزودی روسیه منافع ژئوپلیتیکی خود را مورد توجه قرار داد. هر چند روسیه منطقه خارج نزدیک (Near Abroad) را به عنوان خارج دور (Far Abroad) به معنی تقدم و اولویت امنیتی در جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی در پیرامون خود نسبت به جهان خارج مطرح کرد، امریکا مخالف خرد کردن این رویکرد روشن ساخت. افزایش شکاف در میان روسیه و امریکا در نگرش‌های امنیتی در قفقاز و آسیای مرکزی، با رشد تعارض‌ها در نواحی مرکزی و شرق اروپا و نیز منطقه بالکان همراه بود. در پاسخ به ناکامی‌های غرب‌گرایان و هواداران یکپارچه شدن روسیه در بازارهای جهانی و نظام سرمایه‌داری و افزایش شدید دشواری‌های اقتصادی، گرایش‌های ملی‌گرایانه در روسیه از توسعه قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است. یکی از ابزارهای موثر در حفظ حضور و نفوذ روسیه در خارج نزدیک، مسیرهای ارتباطی و میراث همبستگی‌های سیاسی-اقتصادی-اجتماعی دوران اتحاد شوروی بوده است. بهره‌گیری از این اهرم‌ها برای احیای روابط پیشین به صورت‌های جدید با مقاومت جدی رهبران جمهوری‌ها و نیز حمایت موثر امریکا همراه بوده است. منطقه خزر به یکی از عرصه‌های جدی این رقابت تبدیل شده است.

ترکمنستان با اتکا بر منافع عظیم گاز طبیعی خود سیاست کم و بیش مستقلی را در پیش گرفت و به همکاری‌های جمعی تمایل نشان نداده است. ترکمنستان توانست سرمایه‌های قابل توجهی را از خارج جذب کند. در پرتو سیاست‌های اقتصادی

دوران اتحاد شوروی، گاز طبیعی عظیم ترکمنستان باید برای تامین منابع ارزی مورد نیاز آن صادر شود. این کشور تجهیزات فرآوری و قابل استفاده ساختن آن را در داخل ندارد. این جمهوری برخلاف دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی روند مثبتی از کارکرد اقتصاد ملی را در مقایسه با دیگران نشان می‌دهد، ولی همچنان وابسته به روسیه است. به هر حال ترکمنستان نیز مانند کشورهای دیگر در حاشیه خزر (قزاقستان و جمهوری آذربایجان) برای انتقال این ذخایر عظیم وابسته به روسیه بوده است و در سالهای پس از فروپاشی برای متنوع سازی مسیرهای انتقال بسیار تلاش کرده است.

قزاقستان نیز برای صدور منابع نفت و گاز خود به روسیه وابسته و در پی یافتن راههای کاهش این وابستگی بوده است. در دوران اتحاد شوروی روسیه نفت و گاز قزاقستان و آسیای مرکزی را مصرف کرده، نفت و گاز خود را به بازارهای اروپایی صادر می‌کرد. قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری شرکت امریکایی شورون در سال ۱۹۹۲ با دولت قزاقستان برای بهره‌برداری از حوضه نفتی تنگیز نیز قابل توجه بوده است. این کشور نیز سرمایه‌های قابل توجهی را در بخش انرژی جلب کرده است. قزاقستان از سال ۱۹۹۵ به اتحادیه گمرکی روسیه و روسیه سفید پیوست که قزاقستان هم سپس به آن پیوست. انتقال نفت تنگیز با کارشکنی روسیه با توجه به دوازه‌های زیست محیطی همراه شده است. قزاقستان نیز مانند جمهوری آذربایجان سابقاً نفت مصرفی روسیه را تامین می‌کرد. بدهی هردو کشور به روسیه توانایی آنها را برای رویا های کاهش داده است.

دشووارترین شرایط در جمهوری آذربایجان وجود داشته است. این کشور که پیش از فروپاشی اتحاد شوروی در جنگ قره باغ درگیر شده و حدود یک پنجم از نیمی آن در اشغال نیروهای ارمنی است، بهره‌گیری از نفت را برای رهایی از دشواری‌های اقتصادی - سیاسی مورد توجه قرار داده است. این جمهوری بهره‌برداری از نفت دریای خزر را یکجانبه مورد توجه قرار داد، نواحی ساحلی دریای خزر را بخشی از سرزمین جمهوری آذربایجان خواند و حق ویژه‌ای برای بهره‌برداری از آن برای خود قایل شد. قرارداد کنسرسیوم باکو سبب تشدید رقابت‌های منطقه ای و بین المللی در حوضه خزر شد. این رقابت با اخراج ایران از این کنسرسیوم شدت یافت. روسیه در پاسخ به اقدام یک

جانیه دولت آذربایجان یادداشتی برای انگلستان ارسال کرد و در بهره‌برداری از نفت دریای خزر به حقوق فدراسیون روسیه اشاره کرد. در این یادداشت به روشنی حوزه نفوذ روسیه مورد توجه قرار گرفت. جنگ در چین به فاصله کوتاهی پس از قرارداد باکو آغاز شد. سپتامبر ۱۹۹۴ انعقاد قرارداد باکو، نوامبر ۱۹۹۴ آغاز حمله نظامی به چین. تحلیلگران ضد روسی در غرب مانند برژینسکی رفتار روسیه را در چین تکرار الگوی رفتار اتحاد شوروی در پراگ ۱۹۶۸ خواندند. جاذبه درآمدهای انتقال نفت و گاز خزر موجب شد آرامنه در ارمنستان نیز برای بهره‌مندی از آن صلح قره باغ را مورد توجه قرار دهند، این رابطه سبب بهره‌گیری دولت امریکا از اهرم جدیدی برای توسعه نفوذ در قفقاز و جلوگیری از توسعه نفوذ روسیه شد.

تولیدات نفت در باز ایران بیشتر در نواحی جنوبی کشور صورت می‌گیرد، ولی شهرهای بزرگ شمالی ایران و نواحی پرجمعیت آن در شمال به این حوضه‌ها در دریای خزر بسیار نزدیک هستند. تولیدات و گاز حوضه دریای خزر به ایران فرصت می‌دهد تا در چارچوب یک نظام معاوضه برای انتقال نفت و گاز منطقه به بازارهای جهانی با توجه به مزایای ژئوپلیتیکی خود اقدام کند. ایران از نظر اقتصادی با صرفه‌ترین مسیر را برای انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی ارائه می‌نماید، ولی ملاحظات سیاسی و تضاد پایدار با ایالات متحده سبب تلاش پیگیر این کشور برای تحقق این کارکرد طبیعی و منطقی برای جمهوری اسلامی ایران شده است.

به این ترتیب با دگرگونی‌های عمیق ژئوپلیتیکی در منطقه دریای خزر و افزایش تعداد کشورهای ساحلی آن، اختلاف نظر میان کشورهای ساحلی در مورد رژیم حقوقی این دریاچه روشن شد. دریای خزر یک محیط زیست استثنائی دارد، آبریزان و جانداران گوناگون بسیاری را در خود جای داده است. ولی آنچه موجب اهمیت این دریاچه شد، منابع انرژی (نفت و گاز) آن است، که در سال‌های اخیر زمینه را برای شکل‌گیری رقابت‌های گسترده فراهم کرده که یادآور بازی بزرگ است. مساله چگونگی بهره‌برداری از منابع انرژی ارتباط نزدیکی با خطوط انتقال آن از این منطقه پیدا کرده است. این مساله در سالهای گذشته زمینه را برای درگیری‌ها و رقابت‌های گسترده در

بیرامون این دریاچه فراهم کرده، که حاکم شدن طالبان در افغانستان، جنگ در چین، و سرکوب خونین اکراد (پ ک ک) تنها شواهدی از شدت و گستره آن بوده است. تحولات گوناگون سبب افزایش توجه بازیگران منطقه ای و بین المللی به این منطقه شده است، از جمله قرارداد نفتی جمهوری آذربایجان برای موسوم به «قرارداد قرن» با کنسرسیوم شرکت خارجی در سال ۱۹۹۴؛ اقدام جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از فعالیتهای شرکت نفت انگلیس در حوزه نفتی البرز در تابستان ۲۰۰۱، نشست سران کشورهای ساحلی خزر در عشق آباد در بهار ۲۰۰۲؛ برگزاری مانور نظامی روسیه در ۲۰۰۲. در ۲۰۰۲ تقسیم منابع بستر دریای خزر بین قزاقستان روسیه در سال ۱۹۹۸، قرارداد روسیه - جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۱ و قرارداد روسیه - قزاقستان - آذربایجان در سال ۲۰۰۳.

با اقدام دولت آذربایجان برای انعقاد قرارداد با کنسرسیومی از شرکت های اروپایی - امریکایی - ترک - روس - پاییز ۱۹۹۷ رقابت های منطقه ای و فرا منطقه ای وارد مرحله جدیدی شد. ایران و روسیه هواره بر ضرورت پایبندی به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در مورد این دریاچه تاکید داشتند. در این قرارداد ها بهره برداری مشترک دو کشور که برخی آنها "حاکمیت مشاع" تعریف کرده اند، پذیرفته شده بود. همه کشورهای بازمانده از شوروی در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ پیگیری خود را به این توافق ها اعلام کردند. ولی جمهوری آذربایجان و قزاقستان بر اساس تفسیر رای داخلی خود بهره برداری یک جانبه از نفت را در این دریاچه آغاز کردند. در پی این به خلاف اعتراض اولیه روسیه، وقتی رهبری کرملین متوجه بی نتیجه بودن مخالفت خود شد، رویه سیاست جدید برای تقسیم دریاچه روی آورد.

روسیه، قزاقستان و آذربایجان برخلاف اعتراض ج.ا. ایران بر اساس موافقت نامه سال ۲۰۰۳، ۶۴ درصد دریا را بین خود تقسیم کرده اند. با این حال همچنان رژیم حقوقی مورد توافق همه همسایگان ایجاد نشده است. قراردادهای دو جانبه نتوانسته اند به اختلاف در حوزه های مشترک پایان دهند. باتوجه به این که کشورهای ساحلی پیش از این بارها بر ضرورت رسیدن به اجماع در این زمینه تاکید کرده اند. در نشست ۲۰۰۲

عشق آباد که ج.ا.ایران در اثر فشار امریکا قرار داشت، سران ۴ کشور ساحلی تلاش کردند، با استفاده از شرایط بین المللی ایران؛ خط موهوم آستارا - حسینی را به عنوان مرز ایران در دریای خزر بقبولانند. سپس اختلاف‌هایشان را حل کنند. با مقاومت و مخالفت ایران این اقدام به نتیجه نرسید. به همین سبب هیچ بیانیه مشترکی از طرف روءسای جمهور پنج کشور ساحلی صادر نشد. نشست عشق آباد در شرایطی برگزار شده بود که امریکا ایران را "محور شیطانی" خوانده بود.

نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران در پاییز ۲۰۰۷ در شرایطی برگزار شد که شورای امنیت دو قطعنامه علیه ایران تصویب کرده بود و دولت روسیه به رهبری ولاد میر پتین در مورد استقرار سپر دفاعی موشکی امریکا در چک و لهستان به شدت خشمگین بود. هرچنین روسیه بهره‌مند از درآمدهای عظیم نفت و گاز ایفای نقش یک قدرت جهانی را هدف قرار داده بود. حضور پوتین در تهران بسیار مهم ارزیابی شد. روسیه ظرف یک دهه گذشته، چرخش قابل ملاحظه‌ای را در سیاست خارجی خود آشکار کرده است. برخلاف دوران اواسط دهه ۲۰۰۰، در فروپاشی که اولویت غرب گراها رابطه با اروپا و آمریکا بود، به تدریج توسعه روابط با کشورهای آسیایی، توجه به خاورمیانه و جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفت. به تدریج تأثیر روسیه برای اجرای یک سیاست خارجی مستقل افزایش یافت. با توجه به اینکه روسیه بهترین اختلاف‌هایش با آمریکا و اروپا را بیشتر مورد توجه داده، سفر پوتین به تهران به نفع ایران استقلال عمل سیاست خارجی این کشور بدل شد.

تجربه نشان داده تعارض پایدار و حل ناشدنی با آمریکا، فرصت‌های بسیار برای دولت روسیه، به ویژه با توجه به روند ملی‌گرایی و اوراسیا‌گرایی در حال گسترش در این کشور، فراهم کرده است. تا وقتی دولت آمریکا فشارهایش را بر جمهوری اسلامی افزایش می‌دهد، این بازی به نفع روس‌ها تمام می‌شود، زیرا آنها می‌توانند امتیازهای بیشتری در رابطه با ایران کسب کنند. محاسبات غلط استراتژیک آمریکایی‌ها این فرصت را برای روس‌ها فراهم کرده تا در تقابل با آمریکا، از مزایای ژئوپلیتیکی ایران به نفع خود بهره ببرند. هر چه فشارهای بین المللی افزایش یافته، گرایش به شرق هم

بیشتر شده است. نشست تهران در سال ۲۰۰۷ با تأکید بر دو موضوع "عدم حمله به کشورهای ساحلی از خاک یکی دیگر از کشورهای ساحلی" و "عدم تردد کشتی‌های دارای پرچم بیگانگان در دریای خزر" برگزار شد. در پایان این نشست یک بیانیه ۲۵ ماده‌ای انتشار یافت، که محتوایش سیاسی بود. انتظاری رفت در نشست رهبران کشورهای ساحلی این دریاچه، مذاکره کنندگان ایرانی بار دیگر بر ضرورت پایبندی به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، که خود این کشورها در مراحل گوناگون آن را مطرح کرده بودند، تأکید کنند، ولی در این بیانیه اشاره‌ای به این مساله نشده است.

در پاسخ به نکات مورد اشاره که هدف اصلی مذاکره کنندگان ایرانی بوده، در شرایط عدم نظارت و تعهد قبلی مجلس شورای اسلامی، تحول قابل توجهی در جهت گیری‌های جاری ایران نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر شکل گرفت. هشیاری و واقع‌گرایی ضرورت داشتن توان اخگویی به مردم و تاریخ کشور ما است. گفته شد پس از نشست تهران نرمانان نظریات رئیس جمهوری قزاقستان، پیوستن قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به تاریخ اعلام کرد. در نشست تهران مسائل و دغدغه‌های فرامنطقه‌ای و فراخزری غلبه داشته و ایران بدون اینکه دستاوردی در مخالفت با نظام موجود در خزر داشته باشد، از تصویب آن ششونود شد.

پس از چاپ و انتشار کتاب "دریای خزر، چالش و چشم اندازها" اینک با همکاری گروهی از دانشجویان دکتری مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه تهران، این کتاب با تمرکز بر سیاست‌ها و رفتارهای کشورهای ساحلی در مورد حقوق و تکالیفشان، در این دریاچه، برای استفاده علاقمندان حوزه دریای خزر و مسایل آن منتشر می‌شود. برپایه پژوهش علمی، در این کتاب روابط کشورهای ساحلی دریای خزر و مسایل تأثیرگذار بر روابط آنها، به‌ویژه رژیم حقوقی دریای خزر بررسی شده است. امید است که این گام کوچک در دفاع از مردم ایران و منافعشان در این دریا مؤثر باشد و در جهت حفظ محیط زیست شکننده آن کارساز واقع شود.

الهه کولایی، استاد مطالعات منطقه‌ای

دانشگاه تهران، بهار ۱۳۹۵

## فهرست مطالب

۱	.....	مقدمه
		<b>بهره نخست: محیط زیست دریای خزر</b>
		<b>فصل اول: نقش کنوانسیون تهران در رویارویی با تهدیدهای زیست محیطی در دریای خزر</b>
۹	.....	مقدمه
۹	.....	موقعیت جغرافیایی دریای خزر
۱۰	.....	عوامل تهدیدکننده محیط زیست دریای خزر
۱۱	.....	آلودگی دریایی
۱۲	.....	تهدیدهای زیست محیطی دریای خزر
۱۴	.....	تأثیر آلودگی‌های دریای خزر بر محیط زیست آن
۱۵	.....	فعالیت‌های زیست محیطی در دریای خزر
۱۸	.....	مشکلات فراروی کنوانسیون محیط زیست دریای خزر
۳۰	.....	نتیجه
۳۷	.....	راهکارها
۴۰	.....	<b>فصل دوم: حکمرانی خوب و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی دریای خزر</b>
۴۵	.....	مقدمه
۴۵	.....	الگوی حکمرانی خوب و مدیریت یکپارچه سواحل
۴۷	.....	مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی
۵۱	.....	مسائل دریای خزر و حکمرانی خوب
۵۳	.....	حکمرانی خوب در مدیریت یکپارچه سواحل بر اساس مدل چرخه‌ای
۶۱	.....	نتیجه
۶۴	.....	

## بهره دوم: کشورهای ساحلی و رژیم حقوقی دریای خزر

### فصل سوم: جمهوری آذربایجان؛ منابع انرژی و رژیم حقوقی دریای

۷۱ ..... خزر

۷۱ ..... مقدمه

۷۲ ..... منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان

۸۳ ..... مسیرهای انتقال انرژی جمهوری آذربایجان

۸۹ ..... جمهوری آذربایجان و رژیم حقوقی دریای خزر

روابط جمهوری آذربایجان با کشورهای ساحلی در زمینه بهره‌برداری از منابع

دریای خزر

۱۰۸ ..... نتیجه

### فصل چهارم: جمهوری آذربایجان و دریای خزر

۱۱۳ ..... مقدمه

۱۱۴ ..... منابع نفت و گاز

۱۱۶ ..... میادین جدید گازی نزدیک ایران در خزر

۱۱۷ ..... مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر در ایران

۱۱۹ ..... ایران و رژیم حقوقی دریای خزر

۱۲۱ ..... پیشینه روابط ایران و روسیه در حوزه خزر

۱۲۷ ..... نشست‌های کشورهای حاشیه خزر

۱۳۴ ..... نتیجه

### فصل پنجم: ترکمنستان و دریای خزر

۱۳۹ ..... مقدمه

۱۴۱ ..... منابع نفت و گاز ترکمنستان

۱۴۵ ..... خطوط انتقال انرژی

۱۴۸ ..... رژیم حقوقی دریای خزر از دیدگاه ترکمنستان

۱۵۰ ..... روابط ترکمنستان با دیگر کشورهای ساحلی خزر

۱۵۶ ..... نتیجه

۱۵۹	فصل ششم: فدراسیون روسیه و دریای خزر
۱۵۹	مقدمه
۱۶۰	منابع نفت و گاز روسیه
۱۶۲	خطوط انتقال انرژی
۱۶۸	روسیه و رژیم حقوقی دریای خزر
۱۷۷	روابط روسیه با کشورهای ساحلی
۱۸۷	نتیجه
۱۹۳	فصل هفتم: قزاقستان و رژیم حقوقی دریای خزر
۱۹۳	مقدمه
۱۹۴	منابع نفت و گاز قزاقستان
۲۰۴	خطوط انتقال انرژی
۲۱۲	قزاقستان و رژیم حقوقی دریای خزر
۲۲۷	روابط با کشورهای ساحلی
۲۳۱	نتیجه
۲۳۹	فهرست منابع

## مقدمه

دریای خزر را نمی‌توان از تاریخ و جغرافیای ایران و سرنوشت ایرانیان در گذر زمان جدا کرد. زندگی مردم بخش‌هایی از سرزمین ایران از دیرباز پیوند تنگاتنگی با این پهنه آبی داشته است. خزر هرگز هم برای ایران کانون فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگون به‌شمار می‌رود. متأسفانه از قرن بیستم مانع هم ایران از پیشرفت‌هایی که در زمینه فناوری، اقتصاد، صنعت و مهمتر از همه، بندیش در اروپا رخ داد، عقب ماند. ابعاد گوناگون این عقب‌ماندگی به تدریج گریبان کشور را گرفت، ناکامی در اعمال قدرت مؤثر بر حوزه خزر و واگذاری بخش‌های وسیعی از نواحی ساحلی این دریاچه به همسایه شمالی در نخستین دهه‌های قرن نوزدهم، یکی از پیامدهای ناتوانی از همراهی با دگرگونی‌های دنیای جدید بود. حتی با پایان نابسامانی‌های وابستگی‌های پادشاهی خاندان قاجار، برقراری نظم و امنیت و احیای کنترل مؤثر دولت مرکزی در سراسر کشور به‌دنبال تأسیس حکومت پهلوی، همچنان ایران توان تحقق منابع مالی بهره‌برداری از ثروت بی‌کران خزر را نداشت. این واقعیت در همه سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به‌هنگام فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد ادامه داشت.

فروپاشی اتحاد شوروی، تحقق منابع ایران را آسان‌تر نکرد. کشورهای تازه‌استقلال‌یافته ساحلی، برای منابع درآمد مناسب بی‌قرار بودند. قطع یارانه‌های مسکو همه آنها را فلج کرده بود. هر سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به دلیل دشواری‌های اقتصادی و نیازهای فوری‌شان، برای بهره‌برداری از منابع انرژی و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی، منتظر تعیین تکلیف رژیم حقوقی نماندند. علاوه بر این‌ها، فروپاشی اتحاد شوروی، تحولی بسیار مهم با مقیاسی بی‌سابقه بود که به‌نوعی

موقعیت ژئوپلیتیک ایران را برجسته‌تر و حساس‌تر ساخت و وظیفه دشوار سیاستگذاری با توجه به مزایا و فرصت‌های این موقعیت جدید را پدید آورد.

با توجه به اهمیت زیست‌محیطی، اقتصادی و امنیتی دریای خزر برای ایران، بی‌اعتنایی به تحولات پیچیده این منطقه، گزینه‌ای عقلانی نیست. به‌منظور رویارویی با هر چه که به منافع و اهداف کشور در این حوزه آسیب می‌زند، نهادهای تأثیرگذار بر تصمیم‌های سیاست خارجی باید همه فعالیت‌های کشورهای ساحلی و گفته‌های مقام‌های مسئول آنها را در مورد مسائل مربوط به این پهنه آبی به‌دقت دنبال کنند و از هدف‌ها و فعالیت‌های قدرتمند منطقه‌ای و ورامنطقه‌ای در این حوزه به خوبی آگاه باشند. امید است این کتاب بتواند به همه کسانی که در عرصه سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در مورد دریای خزر نقش دارند در جهت تأمین بهتر منافع ملی کمک کند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، طیف گسترده‌ی بازیگران دولتی و غیردولتی از کشورهای خارج از منطقه به‌ویژه کشورهای غربی، در حوزه خزر فعال شدند. منابع انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی، اهمیت ژئواستراتژی و دغدغه‌های امنیتی، شماری از دلایل جذابیت و اهمیت روزافزون این منطقه تا آن‌نگام جدا از روابط بین‌الملل، بود. تحلیل‌گران، پژوهشگران و دانشگاهیان غربی نیز سینه‌از‌سینه از بحران سیاسی و شرکت‌های نفتی و گازی عقب‌نماندند، بلکه پیش‌تاز و راهنمای آنها شدند. زودی ادبیات گسترده و غنی پیرامون منطقه خزر توسعه یافت که هنوز در حال تکمیل است. نمونه‌هایی از این آثار قابل اشاره است:

کتاب «خزر: سیاست، انرژی و امنیت» مجموعه مقاله‌هایی را دربردارد که در سال ۲۰۰۴ توسط شیرین آکینر گردآوری شده است. این مقاله‌ها، مسائل حقوقی، اقتصادی و ژئوپلیتیک خزر، چشم‌انداز سیاستگذاری کشورهای ساحلی، مسائل امنیتی و نظامی - شدن این دریا را بررسی می‌کنند. «آب‌های مسئله دار: ژئوپلیتیک منطقه خزر» کتابی است که در سال ۲۰۰۱ به قلم هرابر دکمچیان و هوان سیمونیان به نگارش درآمده است و خواننده را با تاریخ، منابع، رژیم حقوقی، محیط زیست، سیاست دولت‌های ساحلی، روابط میان آنها و بازیگران خارجی در منطقه آشنا می‌کند. مجموعه مقاله‌های

کتاب «سیاست نفت خزر» تألیف بولنت گوکای در سال ۲۰۰۱ علاوه بر مسائل مربوط به انرژی، اطلاعاتی در مورد تاریخ و تحولات سیاسی این منطقه ارائه می‌دهد.

«تاریخ دیپلماتیک دریای خزر» نوشته گیو میرفندرستی در سال ۲۰۰۱ تحولات تاریخی و حقوقی دریای خزر را از قرن هجدهم تا سال ۲۰۰۰ بررسی کرده است. کتاب «اقتصاد و سیاست نفت حوزه خزر» که به بحث چگونگی بازتوزیع ثروت‌های نفتی در آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان می‌پردازد که در سال ۲۰۰۸ گردآوری شده است و آمار مناسبی در مورد منابع انرژی خزر ارائه می‌دهد. «اقتصاد ثروت نفتی و گازی خزر» کتاب دیگری است که در سال ۲۰۰۸ به قلم یلنا کالیوژنوا به نگارش درآمده است.

ادبیات موجود در این دریای خزر به زبان فارسی نیز غنی است و سابقه‌ای طولانی دارد. بخش مهمی از آثار فارسی به شرح واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی خزر اختصاص دارد. از مهم‌ترین این کتابها می‌توان به «دریای مازندران» نوشته ایرج افشار و «سرگذشت دریای خزر» نوشته ناصر کمیل همایون اشاره کرد. البته مباحث اقتصادی و سیاسی هم از دید پژوهشگران ادانی دور نمانده است. در این زمینه می‌توان به کتاب «دریای خزر و قدرت‌های بزرگ» محمدعلی کاظم‌بیگی و کتاب «دریای خزر» دکتر بهرام امیراحمدیان و مهناز گودرزی اشاره کرد. کتاب «دریای خزر: چالش‌ها و چشم‌اندازها» به قلم نگارنده و مهناز گودرزی از جامعی است که در ایران پیرامون مسائل دریای خزر به چاپ رسیده است. این اثر به تاریخ و جغرافیا، ظرفیت‌های اقتصادی، حوزه‌های ژئوپلیتیکی، چالش‌ها و چشم‌اندازهای منطقه خزر مانند بحران‌های منطقه‌ای، رژیم حقوقی، قدرت‌های خارجی، تهدیدهای زیست‌محیطی و نظامی کردن می‌پردازد و منبع جامعی برای پژوهشگران این حوزه به شمار می‌رود.

کتاب پیش‌رو در دو بهره تنظیم شده است: محیط زیست و رژیم حقوقی. بهره اول کتاب دو مقاله در مورد محیط‌زیست دریای خزر در بر دارد. محیط زیست دریای خزر به دلایل گوناگون به وضعیت بحرانی دچار شده است. بیشتر این دلایل از توسعه‌نیافتگی کشورهای ساحلی و اولویت نداشتن مسائل زیست‌محیطی برای آنان سرچشمه می‌گیرد. کشورهای ساحلی دغدغه‌ای فراتر از بهره‌برداری‌های اقتصادی ندارند. اهمیت محیط

زیست خزر برای ایران کمتر از موضوع رژیم حقوقی نیست، به‌ویژه که زیباترین و حاصلخیزترین نواحی ساحلی خزر با فرصت‌های بی‌شمار گردشگری برای کشور ما را دارد. در مقالهٔ اولین مقاله بهره‌نخست به تهدیدهای زیست‌محیطی در دریای خزر و نقش «کنوانسیون چارچوبی حفاظت از محیط زیست دریای خزر» در رویارویی با آن‌ها پرداخته شده است. کنوانسیون محیط زیست دریای خزر که در تهران امضا شده است، می‌تواند ابزار حقوقی مؤثری برای مبارزه با آلودگی دریا باشد. این مقاله با بررسی روند شکل‌گیری، محتوا و اهمیت کنوانسیون در پی آشکار ساختن ظرفیت‌های اجرایی آن است. بخش‌هایی از مقاله نیز به توصیف تهدیدهای زیست‌محیطی دریای خزر و پیشینهٔ فعالیت‌ها در جهت دست‌یافتن به توافق‌های زیست‌محیطی اختصاص یافته است.

دومین مقالهٔ این بهره، به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی، جایگاه حکمرانی خوب در مدیریت یکپارچهٔ سواحل دریای خزر و تأثیر آن بر کاهش مشکلات زیست‌محیطی این دریاچه را بررسی می‌کند. هدف نویسندگان توجه‌دادن به روش‌های موفق در مناطق مشابه با استفاده از روش مدیریت یکپارچه است. حکمرانی خوب الگویی است در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع مشارکت بخش خصوصی. بهره دوم دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از مقاله‌ها در مورد رژیم حقوقی دریای خزر است. در هر یک از این نوشتارها، بررسی موشکافانهٔ موضع یکی از کشورهای ساحلی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر ارائه شده است. منابع انرژی، خطوط انتقال انرژی و روابط هر کشور با سایر کشورهای ساحلی، عناوین فرعی مقاله‌ها را به خود اختصاص داده است. در سومین مقاله این کتاب به مسائل جمهوری آذربایجان در دریای خزر پرداخته شده است. منابع نفت و گاز این جمهوری، پیشینهٔ بهره‌برداری از این منابع در دوران روسیهٔ تزاری و اتحاد شوروی، چگونگی توسعهٔ میدان‌های نفتی پس از استقلال، قراردادهای متعدد با شرکت‌های غربی، خطوط انتقال انرژی کنونی و در حال ساخت، رویکرد جمهوری آذربایجان در مورد رژیم حقوقی خزر و روابط این کشور با همسایگان خزری، مباحث مطرح شده در این نوشتار است.

در چهارمین مقاله با عنوان «ایران و دریای خزر»، آماری از ذخایر انرژی این دریاچه و برآورد موجود در بخش‌های ایرانی آن ارائه شده است. بخش‌های دیگر این مقاله به چگونگی انتقال انرژی کشورهای ساحلی خزر از مسیر ایران، سهم ایران در قراردادهای انرژی این کشورها، دیدگاه ایران در مورد رژیم حقوقی، تاریخچه روابط ایران و روسیه در حوزه خزر و مذاکرات چندجانبه کشورهای ساحلی در سطوح گوناگون پرداخته است. در مقاله بعد، ابتدا تاریخ طبیعی، اسامی و حوزه‌های آبی خزر، سپس جغرافیای طبیعی و انسانی ترکمنستان، منابع انرژی، میزان تولید و مسیرهای انتقال نفت و گاز بررسی شده است. در پایان، چگونگی روابط با کشورهای همسایه در خزر و موضع ترکمنستان در مورد رژیم حقوقی مطرح شده است.

"فدراسیون روسیه و دریای خزر"، موضوع ششمین مقاله است. دیدگاه روسیه در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، منابع نفت و گاز روسیه، شبکه خط لوله‌های داخلی و صادراتی و روابط این کشور با دیگر کشورهای ساحلی، عناوین فرعی این نوشتار است. در مقاله هفتم ابتدا رویکرد فرقه‌شناسی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، سپس میدان‌های نفتی و گازی این کشور، چگونگی توسعه آنها و مسیرهای صادرات انرژی مورد بررسی قرار گرفته است.

این کتاب با پژوهش و مطالعه گروهی از دانشجویان دوره دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران که در گرایش آسیای مرکزی و قفقاز تحصیل می‌کنند، تالیف و تدوین شده است. هدف از انجام این مطالعات تکمیل پژوهش‌های ارائه شده در کتاب "دریای خزر، چالش‌ها و چشم‌اندازها" با تمرکز بر رفتارها و سیاست‌های هر یک از کشورهای ساحلی بوده است. امید است این گام کوچک در شناخت و سیاست‌گذاری مناسب در جهت تامین منافع کشورمان موثر واقع شود.

الیه کولایی، استاد مطالعات منطقه‌ای

دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۹۴